

بررسی سیاست‌های فرهنگی ایران و ایتالیا در حوزه صنایع فرهنگی، گردشگری و هنرهای نمایشی با رویکرد تطبیقی

سیدمحمد سیدعلوی

عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mohamad.seyedalavi@srbiau.ac.ir (مسئول مکاتبات)

ابوالفضل بهجت

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: امروزه مدیریت فرهنگی بدون توجه به سیاست‌های فرهنگی سایر کشورها و میزان تأثیر آن بر فرهنگ بومی و نادیده انگاشتن شرایط محیطی رویکردی استراتژیک نبوده و هرگز نمی‌توان از این طریق به اهداف غایی فرهنگی دسترسی پیدا کرد. آنچه در این تحقیق مورد نظر است اشاره به همپوشانی و تشابهات فرهنگی دو کشور ایران و ایتالیا است که هر دو از تاریخ و پیشینه فرهنگی چندین هزار ساله برخوردار هستند. **روش پژوهش:** روش انجام این پژوهش «تحلیل محتوا» است. واحد ثبت برای تحلیل محتوایی، موضوع و اهداف و برای تحلیل واژگانی، کلمه هست. از فیش برگه برای جمع‌آوری اطلاعات و از سیاهه واریسی جهت ثبت و ضبط، مقایسه و ارزیابی استفاده شد. روش گردآوری اطلاعات پژوهش به صورت کتابخانه‌ای در بین اسناد و مدارک مرتبط کلیه سیاست‌های اتخاذ شده در بخش فرهنگی و گردشگری دو کشور ایران و ایتالیا به‌عنوان جامعه آماری است.

یافته‌های پژوهش: به‌طورکلی با نگاهی به سیاست‌های کلی فرهنگی ایران و ایتالیا مشخص می‌شود که ایران دارای ۵ هدف کلی سیاست فرهنگی می‌باشد که در کل ۲۵ راهکار عمومی و ۷ راهکار عملی برای رسیدن به آن‌ها پیش‌بینی شده است؛ و ایتالیا دارای ۶ هدف کلی سیاست فرهنگی می‌باشد که در کل ۳۸ راهکار عمومی و ۲۳ راهکار عملی برای رسیدن به آن‌ها پیش‌بینی شده است. در این پژوهش در چهار حوضه محتوای سیاست‌های فرهنگی، صنایع فرهنگی، گردشگری و هنرهای نمایشی این راهکارهای عمومی و عملی مقایسه شده است. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دو کشور ایران و ایتالیا در چهار حوضه محتوای سیاست‌های فرهنگی، صنایع فرهنگی، گردشگری و هنرهای نمایشی و از نظر اصول و سیاست‌های کلی دارای همپوشانی و تطابق بالایی هستند و در زمینه راهکارهای عملی با هم تفاوت زیاد داشته و در بسیاری از موارد نزدیکی در این زمینه‌ها متوسط و کمتر از متوسط است.

واژگان کلیدی: سیاست‌های فرهنگی، صنایع فرهنگی، گردشگری، هنرهای نمایشی، ایران، ایتالیا

مقدمه

از جمله اینترنت، ماهواره و... در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان ایجاد شده است، از سویی فرهنگ تحت تأثیر دگرگونی‌های درونی مانند تنوع در تولید، مصرف کالاهای فرهنگی و تفکیک اجتماعی درون فرهنگ و از سوی دیگر تحت تأثیر تحولات و جریان‌های فرهنگی و اجتماعی کشورها قرار گرفته است. مسائل مدیریتی تازه‌ای پیش روی جامعه، متصدیان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران عرصه فرهنگ قرار می‌دهد و همچنین پیچیدگی روزافزون فرهنگ، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران فرهنگی که درصدد سامان بخشیدن به مدیریت فرهنگی هستند را نیازمند شناخت فرهنگ و نیازمند اطلاعات و داده‌های جدید فرهنگی می‌نماید تا اینکه با استفاده از تجربیات مدیران و تعامل فرهنگ کشورها با همدیگر، در خصوص تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و ارتقای سطح مدیریت فرهنگی استفاده نمایند.

بنابراین به نظر می‌رسد بدون توجه به سیاست‌های فرهنگی سایر کشورها و فرهنگ مقابل و شرایط جهانی و تحولات فرهنگی حادث شده، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و بالاخره مدیریت فرهنگی مثمر ثمر نخواهد بود.

امروزه بدون توجه به محتوای سیاست‌های فرهنگی سایر کشورها و شرایط جهانی و تحولات فرهنگی حادث شده، مدیریت فرهنگی مثمر ثمر نخواهد بود. (ایسار ۱۳۷۸). در این راستا آگاهی از محتوای سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی سایر کشورها به منظور تصمیم‌های صحیح در جهت بهبود و صیانت از فرهنگ‌ها امری لازم و ضروری بشمار می‌رود. که امروزه مدیریت فرهنگی بدون توجه به سیاست‌های فرهنگی سایر کشورها و میزان تأثیر آن بر فرهنگ بومی و نادیده انگاشتن شرایط محیطی، رویکرد استراتژی نبوده و هرگز نمی‌توان از این طریق به اهداف غایی

امروزه اهمیت فرهنگ برای همگان روشن و مبرهن است و اکثر دانشمندان علی‌الخصوص جامعه‌شناسان، روانشناسان اجتماعی و... به تأثیرات آن بر سایر جنبه‌های حیات بشری توجه کرده‌اند؛ به طوری که در خصوص اهمیت و ویژگی‌های فرهنگی و تأثیر آن بر اجتماع، اقتصاد و سیاست نظریه‌پردازی نموده‌اند و به نقش پذیرش فرهنگ در انسجام، همبستگی و وفاق اجتماعی، توسعه و پیشرفت، تحول و دگرگونی و تأثیر فرهنگ بر شخصیت، کارکردهای سازگاری و هویت بخشی آن اشاره کرده‌اند و حتی فرهنگ را به عنوان مهم‌ترین وسیله اصلاح، ارتباط، وحدت، کنترل درونی و اشاعه ارزش‌های مولد در جامعه دانسته و برای فرهنگ، ارزش تعیین کنندگی قائل هستند.

آنچه مسلم است، این است که فرهنگ‌ها در همه جا یکسان نیستند و تفاوت‌ها و تشابه‌های عمده‌ای بین فرهنگ‌های مختلف کشورها از جمله دو کشور ایران و ایتالیا وجود دارد؛ به تبع این‌ها سیاست‌گذاری و مدیریت فرهنگی کشورها نیز متفاوت است و در این راستا آگاهی و شناخت از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی سایر کشورهای جهان به منظور اتخاذ تصمیم‌های صحیح در جهت ارتقای سطح مدیریت فرهنگی لازم و ضروری به شمار می‌رود؛ به طوری که بدون توجه به سیاست‌های فرهنگی سایر کشورها و میزان تأثیر آن بر فرهنگ بومی و نادیده انگاشتن تفاوت‌ها و تشابه‌های فرهنگی کشورها نمی‌توان به اهداف غایی دسترسی پیدا کرد؛ چرا که مواجهه صحیح با تحولات فرهنگی باعث پویایی و انعطاف‌پذیری در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، توسعه فرهنگی و مدیریت فرهنگی خواهد شد.

با توجه به اینکه در سال‌های اخیر تحولات عمده‌ای با گسترش ارتباطات و دگرگونی در مرزهای فرهنگی و گسترش بیش از پیش وسایل ارتباط جمعی

فرهنگی دسترسی پیدا کرد. آنچه در این تحقیق مورد نظر است اشاره به همپوشانی و تشابهات فرهنگی دو کشور ایران و ایتالیا است که هر دو از تاریخ و پیشینه فرهنگی چندین هزار ساله برخوردار هستند.

ادبیات پژوهش

سیاست و سیاست‌گذاری فرهنگی

سیاست فرهنگی به معنای ارزش‌ها و اصول هدایت‌کننده امور فرهنگی است. با نگاهی دیگر نیز می‌توان گفت که سیاست فرهنگی مجموعه‌ای از تدابیر برای تعیین وظایف دولت و سازمان‌های غیردولتی، در زمینه فرهنگ برای رسیدن به اهداف مورد نظر است. در اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران سیاست فرهنگی این‌گونه تعریف شده است: سیاست فرهنگی در حقیقت همان توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم در حرکت فرهنگی است. سیاست فرهنگی را می‌توان اصول راهنمای کارگزاران فرهنگی و مجموعه علائم و نشانه‌هایی دانست که مسیر حرکت را نشان می‌دهد به عبارت دیگر نوعی دستورالعمل فرهنگی است که روشنگر حرکت است. سیاست فرهنگی به معنای عام و عرفی آن مجموعه‌ای از اهداف، مبانی، اصول، اولویت‌ها و خط‌مشی اجرایی را شامل می‌شود، هرچند به معنای خاص فقط قسمت اخیر را به ذهن متبادر می‌سازد.

سازمان یونسکو به‌عنوان سازمانی که هدف آن توسعه فرهنگی است اهداف توسعه فرهنگی را این‌گونه معرفی می‌کند:

- اتخاذ آن دسته از سیاست‌ها، برنامه‌ها و استراتژی‌های توسعه که جنبه‌های فرهنگی و هدف‌های فرهنگی و نیاز به آموزش نیروی انسانی را مد نظر قرار دهد و دولت مردان و مردم عادی را به اهمیت نقش فرهنگ واقف سازد؛

- ایجاد تسهیلات برای شکوفا شدن استعداد‌های بیشترین تعداد ممکن از مردم، حفظ ارزش‌های معنوی، اجتماعی و انسانی که زندگی جوامع مختلف مبتنی بر آنهاست و تشویق مشارکت همه مردم در زندگی فرهنگی. (کاوند و کاوند ۱۳۸۷)

سیاست‌گذاری فرهنگی بعضی اوقات به‌صورت آشکار از طریق یک فرآیند تعریف شده توسط یک سازمان متولی این امر انجام می‌گردد. به‌عنوان نمونه، یک وزارت فرهنگ و یا یک سازمان هنری ممکن است سیاستی را تصویب کند که دربردارنده اهداف و اصول عملی آن سازمان در خصوص تقویت موسسه‌های تئاتر در مناطق مختلف باشد. با این وجود، اغلب موارد سیاست فرهنگی به‌طور رسمی تعریف نمی‌شود. در عوض، آنچه در این شرایط وجود دارد آثار فرهنگی حرکت اجتماعی است که برخی اوقات غیر قابل پیش‌بینی نیز می‌باشد. به‌عنوان نمونه، «پدیده نوسازی شهری» را در نظر بگیرید (وحید ۱۳۸۲).

برنامه‌ریزی فرهنگی

اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی، سه کارکرد عمده را برای فرهنگ قائل هستند: (۱) ایجاد تفاهم؛ (۲) احراز هویت و (۳) حفظ و ارتقای انسجام اجتماعی. برای دستیابی به چنین اهدافی و نیز برای درونی کردن مجموعه معانی مقبول خود، هر جامعه تلاش می‌کند؛ نهادهایی آموزشی را تأسیس می‌کند و بدین کار می‌گمارد که از مهم‌ترین اجزای نهادهای آموزشی در هر جامعه، می‌توان به مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها (صدا و سیما، مجلات و روزنامه‌ها، سایت‌های اینترنتی و...) و کتابخانه‌ها اشاره کرد.

برنامه‌ریزی فرهنگی باید هنر سطح بالا را همچون فرهنگ عامه‌پسند و محلی در مکان‌ها و زمان‌های مختلف در برگیرد. سطح بین‌المللی، امکان مقایسه را نیز فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که در کشورها و

اجتماعی و سیاسی محلی در هر کشور، شکل متفاوتی به خود می‌گیرد.

مطالعات و تحقیقات انجام شده درباره کشورهای مختلف جهان حاکی از آن است که بسیاری از کشورها نوعی سیاست فرهنگی صریح (مدون) یا نیمه صریح دارند، درحالی‌که معدودی از کشورها هم هستند که سیاست فرهنگی کاملاً ضمنی (نانوشته) دارند. البته باید ذکر کرد که سطح، ساختار و اهداف این سیاست‌ها در کشورهای مختلف، اشتراکات و افتراقات متعددی دارد. (کی نژاد ۱۳۸۴)

روش مطالعه سیاست فرهنگی کشورها

مطالعه سیاست فرهنگی یک کشور به معنی مشخص نمودن اهداف تعیین شده توسط مسئولین، طرح‌های به اجرا درآمده، میزان موفقیت در به‌کارگیری آنان و میزان تغییراتی که در اثر پروژه‌های آن به وجود آمده، می‌باشد.

بررسی نظری سیاست فرهنگی در دو مرحله پیاپی و مکمل همدیگر به عمل می‌آید: در مرحله نخست تحلیل عواملی که در شکل‌گیری سیاست مانند اهداف، ابزار و منابع بکار رفته و نوع اقداماتی که مورد استفاده قرار گرفته مورد نظر خواهد بود و سپس ارزیابی نتایج واقعی حاصله. ضمن آنکه بین تغییرات به دست آمده ناشی از سیاست‌های فرهنگی و تغییرات متأثر از سایر عوامل، فرق اساسی قائل خواهیم شد.

مراحل تحلیلی و ارزیابی باید جدای از همدیگر مورد توجه قرار گیرند. زیرا هر کدام روش‌های مختلفی را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند، ضمن آنکه در مرحله عمل هیچ مرزبندی مشخصی برای تفکیک این دو از یکدیگر وجود ندارد.

حکومت‌های مختلف با عینیت یافتن فرهنگ در جامعه و طراحی سکونتگاه‌های شهری چه برخوردارهایی صورت گرفته است. (ژیرار ۱۳۷۳)

در غرب، طی بیست سال اخیر و به تبع آن در کشور ما، طی چند سال گذشته، فرهنگ و ظایف جدیدی یافته است، به طوری که از فرهنگ مفهوم گسترده‌تری استنباط می‌شود. برای مثال، مفهوم فرهنگ در توصیف هنر، روش زندگی، سبک لباس، تزئین خانه و هر آنچه با زیبایی سروکار دارد، به کار برده می‌شود.

علاوه بر این، فرهنگ همچون ابزاری امید دهنده برای حل مسائل و معضلات سیاسی و اجتماعی به حساب می‌آید. همچنین، فرهنگ در همه کشورهای جهان به عنوان یکی از شعبه‌های بزرگ رشد اقتصادی به حساب می‌آید.

از گذشته‌های دور، تقریباً تمامی حکومت‌ها به لزوم در اختیار داشتن وضعیت فرهنگی مطلوب در جوامع تحت حاکمیت خویش و بروز رفتارهای اجتماعی خاص و متناسب با الگوهای مطلوب سیاسی و مذهبی موجود، از سوی افراد آن جوامع معتقد بوده‌اند. این بدان معناست که ملل مختلف، از گذشته، سیاست‌های فرهنگی ضمنی یا صریح داشته‌اند. (اشتریان ۱۳۸۱)

به مرور و با پیچیده‌تر شدن اوضاع و بی‌توفیق بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها در بسیاری از کشورها، سیاست‌گذاران به بازبینی و بررسی مسائل و تنگناهای موجود پرداختند و دریافتند که عملاً، بدون وجود شالوده فرهنگی مناسب و بارور، دستیابی به توسعه، توهمی بیش نیست. به‌طور کلی می‌توان گفت که روند توجه و تلاش معطوف به سیاست‌های فرهنگی در کشورهای مختلف جهان، در تلاش برای ایجاد توسعه فرهنگی، روندی جهانی است که البته، بنا بر اوضاع

مدل سه شاخه برگرفته از نظریات کاپلان و نورتون

واژه «سیاست فرهنگی» در برگرفته مجموعه پیچیده و متنوعی از فعالیت‌ها است که الزاماً در ارتباط با یکدیگر نمی‌باشند. در برخی کشورها مانند انگلیس حمایت از هنرهای زنده، کمک به سینما و نگهداری ساختمان‌ها و آثار تاریخی هر کدام توسط وزارتخانه جداگانه‌ای اداره می‌شوند. بدون آنکه عملاً هیچ‌گونه ضرورت هماهنگی بین آن‌ها احساس شود.

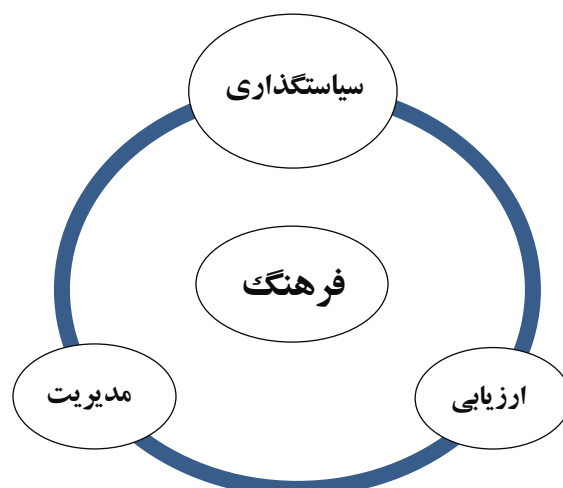
بنابراین تقلیل سیاست فرهنگی کلان دولت به سیاست‌های خود، عملی طبیعی به نظر می‌رسد تا بتوان از این طریق به بررسی جداگانه آنان پرداخت. روشی که در اکثر موارد مورد استفاده قرار می‌گیرد تجزیه به رشته‌های هنری و انتخاب هر کدام به‌عنوان یک واحد مورد مطالعه متشکل از تئاتر، موسیقی، باله، ادبیات، هنرهای تجسمی، معماری، سینما، رادیو، تلویزیون و غیره می‌باشد لکن خطوط تفکیک کننده بین هنرها این گونه که در وهله اول به نظر می‌رسد، چندان واضح و روشن نیست و توسعه فعالیت‌های تفریحی موجب کهنه شدن تعاریف سنتی گردیده است.

نخستین کاری که باید در راه تحلیل یک سیاست فرهنگی، برنامه یا طرح انجام داد؛ دست یافتن به

سیاست اتخاذ شده توسط مسئولین آن باشد. چنانچه مسئولین سیاست فرهنگی نقشه اجرایی دقیقی را طراحی نموده و انگیزه‌های خود را به‌صورت واضح و در قالب کلمات روشن ارائه نمایند، تعیین و ترسیم چارچوب مورد نظر کار بسیار آسانی خواهد بود ولی جای تأسف است که عملاً چنین نیست.

دیپلماسی فرهنگی

مطالعات و تحقیقات انجام شده در مورد کشورهای مختلف جهان حاکی از آن است که بسیاری از کشورها دارای سیاست فرهنگی صریح (مدون) یا نیمه صریح هستند، در حالی که معدود کشورهایی هم هستند که دارای سیاست فرهنگی کاملاً ضمنی (نانوشته) می‌باشند. البته قابل ذکر است سطح، ساختار و اهداف این سیاست‌ها در کشورهای مختلف دارای اشتراکات و افتراقات متعددی است. بعضی بسیار مدرن و نوگرا (و مشوق پویایی فرهنگ جامعه) هستند درحالی‌که بعضی دیگر بیشتر سنت‌گرا و بسته هستند. با توجه به روند پرشتاب تغییرات در جهان، این سیاست‌ها نیازمند بازبینی و روزآمدسازی مستمر هستند. کشور ما از



شکل ۱: مدل سه شاخه برگرفته از نظریات کاپلان و نورتون

نخست آن که این اهداف شامل دگرگونی‌هایی است در وجهه بین‌المللی ملت‌ها از نظر خود آنان و تأثیری که همین وجهه در رفتار سایرین می‌گذارد؛

دوم، آن که از اهداف اصلی دیپلماسی فرهنگی می‌توان برپائی نهادهای جدید دانش و حساسیت در میان سایر ملل را نام برد که به امید برقراری روابط پایدارتر و صمیمیت بیشتر میان ملت‌ها و مردم انجام می‌گیرد؛

سوم، این فرضیه از مبانی دیپلماسی فرهنگی است که هر نظام ملی بدون در نظر گرفتن ترس‌ها، امیدها، نیات و علایق دیگران، کارایی نخواهد داشت.

لازمه دستیابی به چنین هدفی تلاش برای بیرون آمدن از چارچوب‌های خویشتن و دست یافتن به روح سایر ملت‌هاست که از این موارد می‌توان تأسیس مراکز و موسسه‌های مطالعه فرهنگ دیگران را نام برد. برای رسیدن به این اهداف باید روابط را فراتر از روابط سودجویانه جست و ناچار خواهیم شد تا با تأسیس مراکز فرهنگی جدید و تشکیلات جدید در ابعاد دولتی و غیره به آن جامه عمل بپوشانیم و آن چیزی نیست به جز تأسیس کانال‌ها و شبکه‌های گسترده جدیدی به منظور آشنایی با یکدیگر در ابعاد مختلف فرهنگی.

معرفی کشور ایتالیا

ایتالیا کشوری مدیترانه‌ای است که در جنوب اروپا واقع گردیده و از مساحتی بالغ بر ۱۱۶/۳۳۶ مایل برخوردار می‌باشد. جمعیت کشور بر ۵۷/۵ میلیون نفر بالغ می‌گردد که از این تعداد حدود ۶۷ درصد در حومه شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. ۹۸ درصد از مردم ایتالیا به مذهب کاتولیک گرایش دارند. تشکیلات فرهنگی کشور ایتالیا بر چند گرایی نهادهای مرتبط استوار گردیده است. مدیریت بر امور فرهنگی

جمله کشورهایی است که دارای سیاست فرهنگی نیمه صریح و سنت‌گرا است. همین مطالعات نشان می‌دهد که معدود کشورهای همچون انگلستان و اسکاتلند هم دارای استراتژی فرهنگی صریح هستند. (کاوند و کاوند ۱۳۸۷)

دیپلماسی در واقع فن مدیریت تعامل با جهان خارج از سوی دولت‌ها است قطعاً ابزارها و مکانیسم‌های متعددی برای اعمال این مدیریت می‌توان به کار گرفت. ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی سه حوزه سنتی بنیادین و کلاسیک در عرصه بین‌الملل است که سیاست خارجی کشورها در آن اعمال می‌شود امروز وسایل ارتباط جمعی، موجب نزدیکی یا رویارویی انسان‌هایی می‌شوند که در نقاط مختلف جهان زندگی می‌کنند و از ایدئولوژی‌های گوناگون برخوردارند. این ابزارهای جدید ارتباطات موجب شده‌اند تا دنیای شلوغ ما با مسائل متعددش کوچک‌تر جلوه کند، به نحوی که هر انسانی احساس کند از نیازهای دیگران مطلع است و آن را به دقت درک می‌کند. دیگر هیچ بشری همچون جزیره‌ای تنها نیست، زیرا شرایط ناشی از جمعیت فزاینده به‌طور سریع و منابع محدود، ارتباطات انسانی و فرهنگی را ضرورت و واقعیتی گریزنپذیر می‌سازد که از طریق وسایل ارتباط جمعی صورت عمل به خود می‌گیرد. در چنین جهانی، بشریت به تلاش برای یافتن راه‌های جدید همکاری و زندگی صلح‌آمیز و هماهنگ نیازمند است.

هدف اساسی دیپلماسی فرهنگی ارائه دیدگاه روشن و موجه نسبت به فرهنگ ارزشی و رفتاری نظام برای بازیگران مختلف عرصه بین‌الملل شامل: دولت‌ها، سازمان‌های دولتی بین‌المللی و غیردولتی، نهادهای جوامع مدنی و افکار عمومی است. بنابراین اهداف دیپلماسی فرهنگی بسیار فراتر از تبادل آثار فرهنگی و یا مظاهر فرهنگی است که در جای خود اهمیت بسزایی دارند زیرا:

تحلیل مستقیماً با طرح توسعه اقتصادی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵ ارتباط پیدا می‌کرد.

در دهه ۱۹۷۰، لوایح قانونی به تصویب رسید که بر اساس آن حیات فرهنگی کشور بیشتر به سوی دموکراسی منعطف گردیده و بودجه مناسبی به حوزه فرهنگ تخصیص یافت. از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ سیاست فرهنگی کشور به سمتی رفت که بر طبق آن تخصیص و نظارت بر بودجه امور فرهنگی کشور از شکل سنتی آن (تحت نظارت دولت مرکزی) خارج گردیده و با انعطاف بیشتری به نهادهای دولتی و خصوصی با مشارکت عمده بخش خصوصی تفویض گردید. حمایت از توسعه فعالیت‌های آموزشی - فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین اصل سیاست فرهنگی ایتالیا مطرح می‌باشد. بر این اساس هرگونه حرکت فرهنگی باید منتهی به ایجاد انگیزه در اقشار مختلف جامعه نسبت به امور فرهنگی، تشریک مساعی آن‌ها در حفظ و اشاعه فرهنگ و ایجاد جنبش‌های فرهنگی با هدف مشارکت مردم گردد. تخصیص بودجه در برخی از نواحی دولت افزایش پیدا کرده تا بتوان به‌صورت بهینه نسبت به حفظ آثار و ابنیه تاریخی و فرهنگی اقدامات مناسبی به عمل آورد (امین زاده و منتخبی، ۱۳۸۸).

پیشینه روابط فرهنگی ایران و ایتالیا

ایران و ایتالیا از جمله کشورهایی هستند که از یک قدمت تمدنی کهن برخوردار هستند و به نظر می‌رسد که این مسئله خود در قالب یک نیروی کششی مثبت در مناسبات دو کشور جلوه‌گر می‌باشد. آغاز روابط ایران و ایتالیا به دوره ناصرالدین شاه برمی‌گردد. ناصرالدین شاه طی سفر خود به اروپا در ساردینیا توقف کرد و در آنجا یک موافقت‌نامه تجاری به امضا رساند. مدتی پس از آن، قرارداد مودت بین دو کشور منعقد شد.

به‌گونه‌ای است که کلیه نهادهای مرتبط با تشکیلات موازی در امور اداری این مهم را انجام می‌دهند. طبق مدل اجرایی دولت کشور به ۲۰ ناحیه، ۹۲ استان و حدود ۸۰۰۰ شهرداری تقسیم گردیده که تمامی آن‌ها نه تنها در اداره امور اقتصادی و اجتماعی بلکه در امور فرهنگی نیز دخالت دارند. امور فرهنگی و پروژه‌های مرتبط به آن توسط چندین نهاد و در سطوح مختلف انجام می‌گیرند. (نگاهداری ۱۳۸۲)

دستورالعمل‌های کلی سیاست فرهنگی ایتالیا

حفاظت و مرمت آثار تاریخی و میراث فرهنگی کشور از مهم‌ترین امور فرهنگ ملی ایتالیا به شمار می‌رود که در قانون اساسی این کشور نیز به آن اشاره گردیده است. طبق اصل ۹ قانون اساسی ایتالیا، دولت جمهوری موظف به ارتقاء سطوح فرهنگی و پژوهش‌های علمی و حفاظت از تاریخ ملی و میراث فرهنگی کشور می‌باشد. اصول مرتبط با سیاست حفاظت از میراث فرهنگی کشور در لوایح قانونی ۱۱۷ و ۱۱۸ لحاظ گردیده است. طبق اصل ۹ قانونی اساسی، حفاظت از موزه‌ها و کتابخانه‌های کشور به سطوح منطقه‌ای واگذار گردیده است. با توجه به لوایح قانون اساسی، سطوح منطقه‌ای کشور از نقش اساسی در حیات فرهنگی جامعه برخوردار می‌باشد. نمونه مهم این قضیه مربوط به ایالت لومباردی است که خواستار توسعه فرهنگی و اختیارات ویژه از سوی دولت در این خصوص گردید. چنین اقداماتی سبب شد تا دولت مرکزی توجه ویژه خود را به نقش نواحی منطقه‌ای کشور معطوف نموده و با تصویب آیین‌نامه شماره ۶۱۶ مصوب ۱۹۷۷ این مهم را عملی نماید. خواست ملّی نسبت به نو سامانی و اصلاح مفاهیم سنتی فرهنگی با اتخاذ سیاست توسعه فرهنگی در اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز گردید. اولین اصلاحات با هدف تحلیل و برآورد مبالغ هزینه شده به امور فرهنگی صورت گرفت که این

سؤال فرعی اول: سیاست‌های فرهنگی ایران و ایتالیا در حوزه صنایع فرهنگی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند؟

سؤال فرعی دوم: سیاست‌های فرهنگی ایران و ایتالیا در حوزه گردشگری چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند؟

سؤال فرعی سوم: سیاست‌های فرهنگی ایران و ایتالیا در حوزه هنرهای چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند؟

با توجه به اینکه این پژوهش کیفی بوده و به روش تحلیل محتوا اجرا شده، هدف کشف تشابهات و تفاوت‌های دو جامعه آماری است، از این رو ارائه فرضیه روال چنین پژوهش‌های نبوده و سعی می‌شود یافته‌های پژوهش به صورت کیفی ارائه گردد.

روش پژوهش

روش انجام این پژوهش «تحلیل محتوا» است. این روش بر دیگر روش‌ها برتری دارد زیرا نیازی به جمع‌آوری اطلاعات نیست، چون کلیه اطلاعات موجود است فقط نیاز به تحلیل دارند. واحد ثبت نیز برای تحلیل محتوایی، موضوع و اهداف بوده و نیز برای تحلیل واژگانی کلمه می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از فیش برگه و سیاهه کنترل جهت ثبت و ضبط، مقایسه و ارزیابی استفاده شد. روش گردآوری اطلاعات تحقیق به صورت کتابخانه‌ای است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری و با استفاده از اسناد و مدارک بود. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مراجعه به کتابخانه‌های متعدد، (از جمله کتابخانه تخصصی فرهنگستان هنر، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه و ...) و نمایندگی فرهنگی سفارتخانه ایتالیا و همچنین استفاده از وبسایت‌های مراکز فرهنگی داخل و خارج از کشور که در زمینه سیاست فرهنگی مطالبی را ارائه نموده‌اند صورت گرفت.

پس از انقلاب، ایتالیا جزء اولین کشورهایی بود که همکاری خود را با ایران آغاز کرد. بنا به دلایل خاص روانی با توجه به نظامی که در ایتالیا حاکم می‌باشد، ایران همواره تحت هر شرایطی توانسته است به همکاری خود با ایتالیا تداوم بخشد.

اشتراکات سیاست فرهنگی دو کشور باعث به اجرا در آوردن تفاهم‌نامه‌های پیشین بین دو کشور، مبادله هیئت‌هایی از خبرنگاران و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی، هیئت‌های کارشناسی از باستان‌شناسان و مرمت‌گران، فراهم کردن ارتباط با دفاتر خدمات مسافرتی، سرمایه‌گذاری و برگزاری هفته‌های فرهنگی در هر دو کشور شده است که در سندهای همکاری به اجرا درمی‌آید.

در رابطه با حفظ آثار تاریخی، سرپرست پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری انجام پروژه‌های باستان‌شناسی و مطالعات مربوط به آسیب‌شناسی و حفاظت از آثار سنگی را از جمله فعالیت‌های پژوهشی مشترک بین دو کشور برشمرد و همکاری‌های صورت گرفته در تخت جمشید و ارگ بم را در زمره مهم‌ترین تلاش‌های صورت گرفته عنوان کرد.

حفاظت بازدارنده و مراقبت از مجموعه‌های موزه‌ای اعم از ظرفیت‌سازی و اجرای روش‌های بازدارنده با به اجرا درآوردن طرح نمونه حفاظت و نگهداری اشیای موزه‌ای از دیگر موضوعات مورد توافق بین دو کشور می‌باشد.

ایران‌شناسان فعال، در حوزه‌های فرهنگی ایتالیا و ایران، مرمت برج یک مجموعه تاریخی ارگ بم از جمله موارد مطروحه و توافق بین دو کشور می‌باشد.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی: کلیت سیاست‌های فرهنگی ایران و ایتالیا چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند؟

جامعه آماری این تحقیق کلیه سیاست‌های اتخاذ شده در بخش فرهنگی و گردشگری دو کشور ایران و ایتالیا می‌باشد. برای همین منظور یک مطالعه تطبیقی بین سیاست‌ها و عملکردهای ایران و ایتالیا در حوزه فرهنگی و گردشگری با استفاده از اطلاعات و منابع موجود انجام گرفته است. از این رو از روش تحقیق کیفی تحلیل محتوا استفاده است چون که در این روش نیازی به جمع‌آوری اطلاعات نیست، چون کلیه اطلاعات موجود است فقط نیاز به تحلیل دارند.

یافته‌های پژوهش

اهداف کلی سیاست فرهنگی و راهکارهای عمومی و عملی در کشور ایران

به‌طور کلی با نگاهی به سیاست‌های کلی فرهنگی ایران مشخص می‌شود که ایران دارای:

۵ هدف کلی سیاست فرهنگی می‌باشد که در کل ۲۵ راهکار عمومی و ۷ راهکار عملی برای رسیدن به آن‌ها پیش‌بینی شده است که به ترتیب زیر می‌باشد:

- برای هدف کلی اول، ۵ راهکار عمومی و ۱ راهکار عملی پیشنهاد شده است.

- برای هدف کلی دوم، ۴ راهکار عمومی و ۲ راهکار عملی پیشنهاد شده است.

- برای هدف کلی سوم، ۷ راهکار عمومی و ۱ راهکار عملی پیشنهاد شده است.

- برای هدف کلی چهارم، ۴ راهکار عمومی و ۲ راهکار عملی پیشنهاد شده است.

- برای هدف کلی پنجم، ۵ راهکار عمومی و ۱ راهکار عملی پیشنهاد شده است.

اهداف کلی سیاست فرهنگی و راهکارهای عمومی و عملی در کشور ایتالیا

به‌طور کلی با نگاهی به سیاست‌های کلی فرهنگی ایتالیا مشخص می‌شود که ایتالیا دارای:

۶ هدف کلی سیاست فرهنگی می‌باشد که در کل ۳۸ راهکار عمومی و ۲۳ راهکار عملی برای رسیدن به آن‌ها پیش‌بینی شده است که به ترتیب زیر می‌باشد:

- برای هدف کلی اول، ۹ راهکار عمومی و ۸ راهکار عملی پیشنهاد شده است.

- برای هدف کلی دوم، ۷ راهکار عمومی و ۲ راهکار عملی پیشنهاد شده است.

- برای هدف کلی سوم، ۴ راهکار عمومی و ۴ راهکار عملی پیشنهاد شده است.

- برای هدف کلی چهارم، ۴ راهکار عمومی و ۲ راهکار عملی پیشنهاد شده است.

- برای هدف کلی پنجم، ۶ راهکار عمومی و ۴ راهکار عملی پیشنهاد شده است.

- برای هدف کلی ششم، ۸ راهکار عمومی و ۳ راهکار عملی پیشنهاد شده است.

جدول ۱: فراوانی خصوصیات کلی سیاست فرهنگی

مورد زیرشاخه‌ای	کشور	
	ایران	ایتالیا
هدف	۵	۶
راهکار	۳۲	۶۱
موارد مبهم	۲۶	۱۱
قوانین اساسی مرتبط	۱۸	۱۷
سازمان‌های مسئول	۱۴	۸
اهداف کلیه زیرمجموعه‌ها	۱۸۳	۱۰۷
موسسه‌های وابسته	۱۷	۶
شوراهای اقماری	۱۵	۰
بودجه سال ۲۰۱۰ (میلیارد دلار)	۵	۷
نهادهای فرهنگی داخلی	۱۲	۴
نهادهای فرهنگی بین‌المللی	۲	۳
خط‌مشی فرهنگی	۱۷	۲۸
سیاست‌های ناحیه‌ای	۵	۱۲
جمع سیاست‌های بین‌المللی	۱۱	۲۷
سازمان‌های مجری	۶	۸
مجموع	۳۶۸	۳۰۵

محتوای سیاست‌های فرهنگی

جدول ۳: فراوانی خصوصیات سیاست‌های فرهنگی در

بخش هنرهای نمایشی	کشور		موارد زیرشاخه‌ای
	ایران	ایتالیا	
هدف	۴	۷	
راهکار	۲	۴	
سیاست‌های کلان	۳۷	۲۴	
اهداف برنامه‌های بلندمدت	۱۲	۹	
اقدامات انجام شده	۶	۱۷	
سازمان‌های مرتبط	۲	۲	
اهداف همه زیر مجموعه‌ها	۷۱	۵۶	
قوانین اساسی	۲	۲	
اهداف بین‌المللی	۳	۴	
مجموع	۱۳۹	۱۲۵	

می‌باشد، به همین جهت انطباق کمی در این بخش بین دو کشور وجود دارد. از نظر هدف و راهکار می‌توان با حفظ روند فعلی تطابق را حفظ کرد، ولی در زمینه تعداد زیرشاخه‌های فعال، ایران باید بر زیرشاخه‌های فعال در زمینه صنایع فرهنگی بیفزاید که این کار با اطلاع‌رسانی و تبلیغات بیشتر در این زمینه صورت می‌گیرد و باید کار پایه‌ای بیشتری صورت گیرد

گردشگری

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشخص می‌باشد، در اهداف و راهکارها، اهداف بلند مدت و اهداف بین‌المللی در این زیرشاخه همپوشانی متوسط دیده می‌شود. مشخصاً در زمینه گردشگری انتظار تطابق پایین هم وجود داشت، به خاطر اینکه کارهای پایه‌ای انجام شده توسط کشور ایتالیا به مراتب بیشتر از ایران بوده است. در کشور ما هم خوشبختانه در سال‌های اخیر سیاست‌های خوبی در این زمینه در حال شکل‌گیری است و با توجه به جدول ۴-۴ باید در

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۱، مشخص می‌شود که به‌طورکلی سیاست‌های فرهنگی دو کشور، از نظر اهداف، بودجه و قوانین اساسی دارای تطابق و همپوشانی بالا می‌باشند. ولی موارد با همپوشانی کم هم دیده می‌شود، مانند راهکارها، موارد مبهم و خطمشی فرهنگی که باید در این زمینه تلاش بیشتری صورت گیرد. همچنین از بین بردن موارد مبهم در سیاست‌های فرهنگی ایران هم از جمله موارد ضروری برای همپوشانی بیشتر می‌باشد.

صنایع فرهنگی

همان‌طور که از داده‌های جدول شماره ۲ مشخص می‌باشد، در بخش صنایع فرهنگی تفاوت‌های زیادی در برخی زیر شاخه‌ها وجود دارد مانند اهداف و سازمان‌های وابسته، اصول سیاست‌های اجرایی و کل اهداف سازمان‌های وابسته، ولی به‌طورکلی شباهت‌هایی هم در این بخش دیده می‌شود مانند راهکارها و وظایف اساسی که دارای تطابق متوسط

جدول ۲: فراوانی خصوصیات سیاست‌های فرهنگی در

بخش صنایع فرهنگی

بخش صنایع فرهنگی	کشور		موارد زیرشاخه‌ای
	ایران	ایتالیا	
هدف	۱۴	۵	
راهکار	۳	۳	
سازمان‌های وابسته	۸	۲	
وظایف اساسی	۲۸	۱۹	
کل اهداف سازمان‌های مربوطه	۹۲	۴۸	
مأموریت‌ها	۱۸	۹	
اصول سیاست‌های اجرایی	۷	۱۳	
تعداد زیرشاخه‌های فعال	۹	۱۴	
سیاست‌های کلی	۱۷	۱۲	
مجموع	۱۹۶	۱۲۵	

زمینه اقدامات و اهداف و راهکار کارهای جدی تری صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

تدوین سیاست فرهنگی امری است سابقه‌دار که کشورهای دیگر نیز به دنبال آن نظر دارند. در ایران قبل از انقلاب این سیاست وجهه خاصی را دنبال می‌کرد ولی پس از انقلاب نمی‌توانست به سرعت و سادگی انجام پذیرد. انقلاب اسلامی که پایه‌های آن بیشتر فرهنگی بود، از همان ابتدا با مشکلات و مسائل گوناگون و پیچیده‌ای روبرو شد. درآمیختگی عوامل متعدد از اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها گرفته تا فرهنگ‌های گوناگونی که از جامعه پیش از انقلاب بجا مانده بود، وضعیتی را به وجود آورد تا امر تدوین راه و روش فرهنگی، در لوای سیاست فرهنگی سریع‌تر انجام پذیرد. بنا کردن اصول و سیاست‌های فرهنگی در جامعه‌ای این چنین پرتلاطم و پر تحول و نیز بهره‌گیری از پشتوانه مالی عظیمی که از ذخایر فکری و فرهنگی و دینی و علمی و تاریخی به ارث رسیده بود. گاهی دشوار می‌نمود. (صالحی ۱۳۸۶)

باید گفت حفظ کردن فرهنگ دشوارتر از به دست آوردن آن است. نقش فرهنگ در جوامع امروزی به‌عنوان عاملی اصلی در تحلیل‌های جامعه‌شناختی مورد استفاده قرار گرفته است و نقش و کارکرد آن نسبت به گذشته بیشتر شده. به همراه آن ضرورت هماهنگی و همسویی صاحب‌نظران و کارشناسان و برنامه‌ریزان هر کشور با نیازهای فرهنگی جامعه نیز بیشتر احساس می‌شود.

جامعه پویا در برخورد با پاسخ‌های نوین فرهنگی، جواب‌های قانع‌کننده دارد چرا که در تقابل با این تحرک جامعه پویایی خود را از دست می‌دهد. شرط لازم برای تحقق چنین مطلوبی آن است که در هر کشور زمامداران اصول‌گرا و واقع‌نگر بتوانند به‌منظور همراهی با جریان عظیم و اصیل فرهنگ در جامعه و نیز پاسخ به نیازهای تازه فرهنگی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کرده و محورهای لازم را برای این حرکت

هنرهای نمایشی

جدول شماره ۴ مشخصه‌های بخش هنرهای نمایشی را برای دو کشور ایران و ایتالیا نشان می‌دهد. از نظر اهداف تطابق بالایی وجود دارد. در زمینه اصول و سیاست‌ها و دستورالعمل‌های قانونی تطابق متوسط برقرار می‌باشد. به‌طور کل تطابق در این زمینه در حد متوسط می‌باشد. دلیل بعضی عدم همپوشانی‌ها در این زیر بخش را می‌توان به بعضی اعتقادات فرهنگی کشور ما نسبت داد که در اولویت بالاتری قرار دارند، ولی به‌طور کلی باید باز هم در زیرشاخه‌های فعال اقدامات بهتری صورت گیرد و تعداد آن‌ها افزایش یابد.

جدول ۴: فراوانی خصوصیات سیاست‌های فرهنگی در بخش هنرهای نمایشی

موارد زیرشاخه‌ای	کشور	
	ایران	ایتالیا
هدف	۴	۳
راهکار	۶	۶
اصول و سیاست‌ها	۲۲	۲۸
دستورالعمل‌های قانونی	۱۱	۱۸
موارد حمایتی	۱۴	۲۱
تخلفات و مجازات‌ها	۲۸	۲۲
سازمان‌های وابسته	۳	۲
کل اهداف زیرمجموعه‌ها	۳۴	۲۷
قوانین اساسی	۱	۱
اهداف بین‌المللی	۲	۶
مجموع	۱۲۵	۱۳۴

واقعیت مشهود و روند عینی امور چنین نشان می‌دهد که جهانی‌شدن به موازات زمینه‌سازی در جهت تحقق یکسانی و عام‌گرایی و تقارب فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های موجود در برخی سطوح، خاص‌گرایی و تنوع‌گرایی را نیز حتی بیشتر از گذشته تشدید و تقویت کرده است. سازمان علمی- فرهنگ یونسکو نیز با عطف توجه به این واقعیت، دولت‌ها را در جهت حفظ و تقویت فرهنگ و خرده فرهنگ‌های متنوع موجود به‌عنوان سرمایه‌های اصیل بشری و میراث نیاکانی ترغیب و تشویق کرده و تنوع‌گرایی را که مظهر شکوفایی خلاقیت طبیعی بشر است، مانع از شکل‌گیری جامعه جهانی واحد بر اساس مشترکات روزافزون تلقی نکرده است. سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی نیز همسو با این استراتژی، در جهت تقویت قومیت‌ها و تنوع گونه فرهنگی رقم خورده است (Featherstone 1999).

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌های فرهنگی دو کشور در حوزه اهداف، بودجه و قوانین اساسی دارای مطابقت بیشتری با هم دارند و در زمینه‌ی راهکارهای اجرای سیاست‌های فرهنگی اختلاف قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود.

در پاسخ به سؤال فرعی اول نتایج پژوهش نشان می‌دهد که صنایع فرهنگی دو کشور در زمینه اهداف و سازمان‌های وابسته، اصول سیاست‌های اجرایی و کل اهداف سازمان‌های وابسته مشابهت‌هایی خیلی کمتری وجود دارد ولی در زمینه راهکارها و وظایف اساسی صنایع فرهنگی به‌طور نسبی و به‌صورت حداقلی با هم مشابهت و مطابقت دارد.

در پاسخ به سؤال فرعی دوم، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی دو کشور در زمینه گردشگری، در اهداف و راهکارها، اهداف بلند مدت و اهداف بین‌المللی همپوشانی متوسط دارند.

تشخیص و تعیین کنند. بنا بر نقش فرهنگ مذهبی که در تمامی هنجارها و ارزش‌های جامعه ما ریزش دارد، از همین رو آنچه به نام سیاست‌گذاری فرهنگی با اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی خوانده می‌شود، بایست با بهره‌گیری از اراده و ایمان معنوی و الهی مردم به‌طور هماهنگ و همسو، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شود. سیاست فرهنگی را می‌توان اصول راهنمای کارگزاران فرهنگی و مجموعه علائم و نشانه‌هایی دانست که مسیر حرکت را نشان می‌دهد به عبارت دیگر نوعی دستورالعمل فرهنگی است که روشنگر حرکت و اتخاذ از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی است. (سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی)

روند بی‌وقفه جهانی‌شدن تقریباً همه عناصر خرد و کلان جامعه بشری را در سطوح گوناگون در معرض تغییر قرار داده است. از این میان مقوله فرهنگ به‌عنوان رکنی‌ترین، گسترده‌ترین، عمیق‌ترین و پرنفوذترین مؤلفه زیست جهان انسانی، بیش از سایر مؤلفه‌ها این تغییرات را در خود بازتاب داده است. در بیان نحوه‌ی ارتباط میان جهانی‌شدن و فرهنگ، چهار نظریه از سوی فرهنگ‌شناسان ارائه شده است. عده‌ای جهانی‌شدن را موجب یکسان‌سازی و همگنی تدریجی فرهنگ‌های متنوع موجود در مسیر شکل‌گیری و استقرار یک فرهنگ واحد جهان شمول می‌دانند. عده‌ای جهانی‌شدن را موجب تکثرگرایی و تنوع‌گرایی فرهنگی و به بیان دیگر تثبیت وضع موجود و بسترسازی برای رویش خرده فرهنگ‌های متنوع و احیا و تقویت خرده‌های حاشیه‌ای؛ دسته سوم به ظهور چیزی تحت عنوان وحدت در عین کثرت که نمایانگر ظهور توأمان نوعی یکسانی و همگنی در برخی سطوح و تنوع و تکثر در سایر سطوح است و در نهایت، نظریه چهارمی که جهانی‌شدن را موجب آشفتنگی و اختلاط فرهنگی، در هم آمیختن مرزها و شکل‌گیری نوعی بریکولاژ فرهنگی (چهل تکه شدگی) ارزیابی کرده‌اند.

۲) تقویت آسیب‌شناسی فرهنگی

در حال حاضر وضعیت موجود کشور به‌طور دقیق مورد شناسایی قرار نگرفته است. نقطه ضعف‌ها و آسیب‌ها را باید شناسایی نمود سپس وضعیت مطلوب را شناسایی نمود و بعد راه‌های رسیدن به این وضعیت مطلوب را پیدا کرد. در اینجا با سه چالش در مقوله فرهنگی مواجه هستیم:

الف) نبود یک استراتژی مشخص

ب) چگونگی اجرای این استراتژی

ج) نظارت و ارزیابی

فقدان یک استراتژی مشخص در ارتباط با فرهنگ کشور موجب شده است تا نقاط ضعف و آسیب‌های موجود در این عرصه به‌طور دقیق مورد شناسایی قرار نگیرد، در نتیجه مسئولان فرهنگی در تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های خود توجهی به این مشکلات نداشته‌اند. از آنجا که استراتژی فرهنگی در یک کشور با توجه به هدف‌هایی که در آن کشور دنبال می‌شود تدوین و طراحی می‌شود بنابراین باید در تدوین استراتژی فرهنگی کشور به این اهداف نیز توجه شود.

نکته دیگر ابزارهایی است که برای اجرای این استراتژی لازم است؛ در حال حاضر مشخص نیست برای رسیدن به اهداف مورد نظر از چه ابزارهایی باید بهره جست. در برخی از کشورها بر ابزارهایی چون تنبیه و تشویق، ایجاد شغل، امکانات فرهنگی، قوانین و مقررات به‌عنوان ابزارهای نیرومند و مؤثر در سیاست‌گذاری فرهنگ تأکید می‌شود.

به‌منظور تحقق اهداف یک استراتژی به‌ویژه در عرصه فرهنگ لازم است تا استراتژی مزبور به‌طور مستمر مورد ارزیابی و نظارت قرار گیرد. چون ابزارهای نظارتی موجب خواهد شد تا استراتژی مزبور مورد بازبینی قرار گرفته و ابزارهای اجرای آن مورد بررسی قرار گیرد. در این صورت چنانچه ابزارها، کارایی لازم برای نیل به اهداف استراتژی مورد نظر را

در پاسخ به سؤال فرعی سوم، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی دو کشور در زمینه صنایع فرهنگی از نظر اهداف تطابق بالایی وجود دارد و در عین حال در زمینه اصول و سیاست‌ها و دستورالعمل‌های قانونی تطابق متوسط برقرار می‌باشد.

الگوی پیشنهادی

۱) اصلاح مدیریت فرهنگی

مفهوم درستی از مدیریت فرهنگی و مهندسی فرهنگی نداریم. به‌عنوان مثال پس از پیروزی انقلاب اسلامی با در هم ریختن وضعیت فرهنگی رژیم گذشته هم به دلیل شرایط اجتماعی: سیاسی خاص موجود و هم به دلیل شتاب‌زدگی، دچار نوعی ظاهرگرایی شدیم.

بنابراین در مصداق باید دید منظور از فرهنگی چیست؟ آیا این صرفاً نهادهای فرهنگی هستند که بر فرهنگ تأثیر گذارند، آیا سازمان‌هایی مانند وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی صرفاً متولی فرهنگ جامعه هستند؟ و یا مقصود عام است، یعنی منظور همه نهادهایی است که در عرصه فرهنگ‌سازی مؤثرند، آیا دستگاه‌های اقتصادی و سیاسی کشور فرهنگ‌ساز نیستند، طبیعی است که همه نهادها تأثیر گذارند فقط چند نهاد مورد توجه نمی‌باشد بلکه در مقوله فرهنگی همه این نهادها باید مورد توجه قرار گیرند. در اینجا مهم این است که مصادیق را شناسایی نماییم.

سوء فهم در مفهوم و مصادیق یک مشکل مهم برای فرهنگ کشور است؛ چون دقیقاً مشخص نمی‌باشد که مفهوم «فرهنگ و فرهنگی» چه می‌باشد، از این رو برخورد سطحی با فرهنگ صرفاً به یک سلسله تغییرات ظاهری در عرصه فرهنگ منجر خواهد شد و ما را به اهداف فرهنگی نخواهد رساند.

نداشته باشند، می‌توان آن‌ها را تغییر داد یا اصلاح نمود. آنچه امروز در کشور ما در ارتباط با استراتژی فرهنگ مطرح است اینکه هیچ برنامه‌ای برای برخورد با این چالش‌ها وجود ندارد.

۳) نگرش درست به فرهنگ

بسیاری بر این باورند که به هنگام سیاست‌گذاری فرهنگی باید به تمامی عرصه‌ها و جوانب زندگی توجه نمود؛ به اعتقاد این دسته از صاحب‌نظران فرهنگ، در سیاست‌گذاری فرهنگی باید به آداب و سنن و تاریخ خاص گروه‌های نژادی و زبان‌های گوناگون توجه نمود. آنچه امروز می‌تواند به‌عنوان یک خطر جدی برای فرهنگ کشور تلقی شود همین برداشت نادرست از فرهنگ است، کسانی که با نگاهی جزئی‌نگر به فرهنگ نگاه می‌کنند در واقع به میراث فرهنگی گذشته بی‌اعتنایی می‌کنند. در خصوص سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در کشور ما این انتقاد اساسی وارد است که چرا پس از انقلاب اسلامی میان حال و گذشته تفکیک قائل شدیم، آیا این تفکیک به مفهوم گسستن از میراث گذشته فرهنگی خود نمی‌باشد.

۴) برخورد درست با فرهنگ

آنچه ما در حال حاضر با آن مواجهیم فرهنگ نیست بلکه یک صنعت است، منابع و بودجه و بعد نهادهایی را در نظر می‌گیریم تا آن را اجرا نماییم؛ سؤال در اینجا این است که آیا مناسبات میان نهادها به یک شیوه فرهنگی منجر می‌شود؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در برنامه‌های اول، دوم و سوم دولت‌ها یکی پس از دیگری در ارتباط با فرهنگ برنامه‌ای را در پیش گرفتند. گفته می‌شد فرهنگ متعلق به مردم است. هر یک از دولت‌ها نهادهایی را تعریف کردند تا بتوانند بودجه و اعتباری را جذب نمایند. قصد این بود تا مبحث فرهنگی

گسترش یابد، اما نتیجه چه شد؟ روشن است که به مسئله فرهنگ نباید به‌عنوان یک کالای صنعتی نگاه کرد، چون فرهنگ با ارزش‌ها و باورهای مردم سر و کار دارد بنابراین نمی‌توان با پول و بودجه آن را هدایت و مدیریت نمود؛ در تمامی برنامه‌های اول و دوم و سوم جمهوری اسلامی ایران هر یک از دولت‌ها به‌منظور بهبود وضعیت فرهنگی جامعه بودجه‌ای را اختصاص دادند اما هیچ یک نتوانستند مشکلات فرهنگی جامعه را حل نمایند، حتی بسیاری از مشکلات فرهنگی به حال خود رها شدند.

۵) همگرایی امور پرورشی و آموزشی

تفکیک پرورش از آموزش چالشی اساسی در برابر مبحث فرهنگی کشور است. پس از اینکه نهادهای فرهنگی شکل گرفت عده‌ای چنین پنداشتند که این نهادها فقط باید کار فرهنگی بکنند، یا هنگامی که پرورش را از آموزش در سطح مدارس جدا کردند، افرادی که کار آموزشی می‌کردند دیگر کاری به مسائل تربیتی و پرورشی نداشتند.

۶) توجه به تأثیر سایر بخش‌ها بر فرهنگ

در عصر حاضر فرهنگ بالقوه نمی‌تواند خود تولید کند، بلکه سایر بخش‌ها چون اقتصاد و سیاست نیز در تولید فرهنگ نقش دارند. هنگامی که نهادهای فرهنگی می‌گوئیم مانند وزارت ارشاد و یا کمیسیون فرهنگی یا حوزه‌های علمیه و سازمان ارتباطات وظیفه بودجه‌ریزی دارند آیا این بدین معنا است که سایر نهادها و حوزه‌ها بر فرهنگ تأثیر ندارند؟ تولیدات سایر کشورها فرهنگ خود را به هنگام صدور به دیگر کشورها می‌برد؛ محصولات ژاپنی به هنگام صدور فرهنگ این کشور را نیز با خود می‌برد. امروز تمام کشورهای دنیا باور کرده‌اند که باید به یک زبان زنده دنیا یعنی انگلیسی مسلط باشند، زبان انگلیسی همه‌اش فرهنگ بریتانیایی است. به هر حال باید دید رابطه میان

منابع و مآخذ

- ۱) ایسار، یودهیستر. (۱۳۷۸). میراث فرهنگی: چالش‌ها و ضرورت‌ها. ترجمه داود حیدری. تهران: آینده پویان.
- ۲) کاوند، ر. و ج. کاوند. (۱۳۸۷). سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در سی سال انقلاب اسلامی و آسیب‌شناسی آن. همایش ملی سی سال انقلاب اسلامی؛ دستاوردها، آسیب‌ها و فرصت‌ها.
- ۳) آگوستین. ژ. (۱۳۷۳). سیاست فرهنگی. ترجمه علی هاشمی و پروانه سپرده و عبدالحمید زرین قلم. تهران: مرکز پژوهش‌گاهی بنیادی.
- ۴) حسین لی، رسول. (۱۳۷۹). اصول و مبانی سیاست فرهنگی در آسیا و آفریقا. تهران: نشر آن.
- ۵) ژیرار، آگوستین. (۱۳۷۳). سیاست فرهنگی. ترجمه علی هاشمی و پروانه سپرده و عبدالحمید زرین قلم. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- ۶) سازمان ایران‌گردی و جهانگردی. (۱۳۸۰). خلاصه‌ای بر یافته‌های سند ملی توسعه گردشگری. سایت فرهنگی ایتالیا در ایران.
- ۷) ستاری، جلال. (۱۳۶۱). نزاع بر سر قدرت فرهنگ. تهران: انتشارات توس.
- ۸) صالحی امیری، سید رضا، (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. تهران: ققنوس.
- ۹) گوردن، ک و ماندی، س. (۱۳۸۳). دیدگاه‌های اروپایی سیاست فرهنگی. ترجمه هادی غبرائی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۰) نگاهداری، بابک. (۱۳۸۲). سیاست‌های فرهنگی کشورهای جهان. مترجمین کامبیز پارتازیان، قباد شیرازی. تهران: ایلیاگستر.
- ۱۱) وحید، مجید. (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

صنعت و فرهنگ و رابطه میان اقتصاد و فرهنگ چه می‌باشد؟ آیا یک رابطه منطقی میان این دو حوزه‌ها و حوزه فرهنگ وجود دارد. آیا سیاست‌های اقتصادی، فقر، اعتیاد، بیکاری بر فرهنگ تأثیر دارند؟ آیا در نظام اداری رشوه‌گیری، کاغذبازی بر فرهنگ تأثیرگذار نیستند؟ آیا دروغ گفتن، به حقوق دیگران تجاوز کردن بر فرهنگ تأثیر ندارد؟ بدین ترتیب باید یک طرح و نقشه کلی تدوین شود تا همه نهادهای رسمی تأثیرگذار بر فرهنگ بر اساس آن عمل کنند.

در گذشته و حال در کشور ایران به تأثیر سایر نهادها بر فرهنگ کشور توجهی نشده است، هیچ مقام مسئولی در اینجا وجود نداشته است تا از سایر بخش‌ها سؤال نماید که تولیدات شما چه تأثیر مثبت یا منفی می‌تواند بر فرهنگ کشور داشته باشد.

۷) پیوند میان اجزای فرهنگی

چالش دیگری که فرا روی فرهنگ قرار دارد اینکه میان اجزای فرهنگی پیوند لازم وجود ندارد این بدین معنا است که مهندسی فرهنگی وجود ندارد. دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه‌های دولتی و سایر نهادهای فرهنگی هر یک راه خود را می‌روند؛ هنگامی که میان دانشگاه و دیگر مراکز فرهنگی ارتباطی وجود ندارد. مهندسی فرهنگی یعنی اینکه بتوان از قابلیت‌ها و توانمندی‌های جامعه ارزیابی دقیقی داشت تا بر اساس آن بتوان آن را در کنار یکدیگر قرار داد و در نتیجه توانایی‌های فرهنگی را افزایش داد. بر اساس مهندسی فرهنگی کشور می‌توان گفت در حال حاضر باید چه تعداد دانشگاه داشت، اینکه در هر کوی و بر زن هر کس که یک توان مالی داشت دانشگاهی بسازد این بدین معنا است که متولی به‌خصوص در امر فرهنگی در کشور وجود ندارد. شورای عالی انقلاب فرهنگی که متولی این مهم است متأسفانه از اهداف خود دور شده است.

- ۱۲) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۷۱). مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
- ۱۳) هال، مایکل و جان ام. جنکیز. (۱۳۷۸). سیاست‌گذاری جهانگردی. ترجمه محمد اعرابی و داود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۴) یونسکو. (۱۳۵۸). فرهنگ و برنامه ریزی. ترجمه پهلوان، چنگیز. تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- ۱۵) یونسکو. (۱۳۸۰). صنایع فرهنگی (مانعی بر سر راه آینده فرهنگ). ترجمه مهرداد وحدتی. تهران: انتشارات مؤسسه نگاه معاصر.

- 16) Bennett, O. (1995). Cultural policy in the United Kingdom: collapsing rationales and the end of a tradition. European Journal of Cultural Policy 1.2.
- 17) Burgi-Golub, N. (2000). Cultural identity and political responsibility. Cultural Policy 7 (2).
- 18) Dae Jung Kim (1999). Investment on the Cultural Sector for Future Development. at the speech for the Day of Culture on October 20, 1999.
- 19) Featherstone, M. (1999). Global Culture: Nationalism, Globalization and Modernity. London: Sage.
- 20) Gigi Bradford. (2000). Defining Culture and Cultural Policy, in The Politics of Culture, ed. Gigi Bradford, Michael Gary, and Glen Wallach. New York: The New Press for Center for Arts and Culture.
- 21) Jean T. (2002). The hidden dimension of globalization: What is at stake geoculturally? Global Policy Forum, New York: ATTAC.
- 22) Jong, J.D. (1998). Cultural diversity and cultural policy in the Netherlands. Cultural Policy 4 (2).
- 23) Property. Boulder, CO: Westview Press, 1997.
- 24) Young Sam Kim (1995). Culture and the Arts are a Basis for the Advanced Welfare State. in a speech at the Day of Culture on October 20, 1995.